

Meghdad Lorpour

Callus

2013

مقداد لورپور

کَبَرَه

۱۳۹۲



مقداد لورپور در این سالها آرام و بدون جنجال کارش را کرده است. تکنیکش غنی و شخصی شده و ایده هایش با انزوایش همخوان و همخوان شده اند. این همخوانی کار آسانی نیست؛ جستجو در انزوا بسیار ممکن است تو را به بیراهه بکشاند. بولی در مورد مقداد این انزوا قلمش را متمرکزتر و ایده هایش را شاعرانه تر کرده است. شاعرانگی از جنس وهم و مایه خولیا جفدی که بر جنگلی خاکستری نشسته خود اوست. احساس میکنی این جغد سالهاست اینجا بوده است و کسی وی را ندیده است. استتاری شیرین نه شبیه آنچه در میان جانوران و جنگل و جنگ می بینیم. استتاری که در انتظار، روح دجاری می شود. مثل وقتی که سکوت می کنی و این سکوت نه از نگفته ها که از بی اهمیتی آن چیز است که دارند می گویند. مقداد نمی خواهد در بحث شرکت کند شاید چون می داند کار از کار گذشته است. اینجا خیره شدن آشای سکوت است و خلوص مرتبه آن جغد با جنگل یکی شده است. و حتی برایش این مهم نیست که دیده نشود؛ جغد با جنگل یکی شده است ولی هنوز خیره میگرداند. شب نیست ولی هنوز بیدار است. آنچه بیشتر از همه در کار لورپور جذاب است اینکه تکنیک ابده و تنهایی خود هنرمند در یک سطح رشد می کند. در بیشتر جانورانی که مقداد به تصویر کشیدم شکوه تنهایی را همراه با ترسی ناگزیر می توان دید. خرسی که در وسعت دشت ایستاده است می داند دارد می پایدش؛ مراقب است و کاملاً قدرتمند. حتی خاریشتی که در حال دویدن است در حال فرار از روی ترس نیست. کلافه است و دارد از خستگی می گریزد. خستگی ای که سالهاست از آن می گریخته و در سطح بوم جایش مانده است. جانوران لورپور یا به تنهایی پناه می برند یا به آن عادت کرده اند یا گاهی در تنهایی دیوانه شده و تبدیل به یک شعر شده اند. شعری محزون و شاید همزمان حماسی. جانوران نقاشی های مقداد تنهای تنها نقش شده اند مگر اینکه شکارچی باشند همانطوری که به تنهایی گرمای جانوری دیگر حمله میبرند نه به خودش. انگار مقداد دارد دو وضعیت را نشانمان میدهد: یکی وضعیت موجوداتی تنها و دیگری وضعیتی که موجب استتار یا فرار شده است. تنها در یک تابلو گاو مقدس در حال فرار گیر افتاده است؛ پس مقداد در پروسه ی تزئین شکوه تنهایی همه احتمالات را در نظر گرفته است برای جانوران با آنچه ترجیح داده فراری شاعرانه به تنهایی، ماندن در آن و آرام آرام مستتر شدن، یکی شدن و قدرتمند شدن در آن اینکه اینقدر زخم هایت را بکنی که وجودت به درد در تنهایی عادت کند و چنان با طبیعت یکدست شود که نتیجه ی چند لایه ی آن شعری شود از سکوت.

وحید شریفیان



Meghdad Lorpour has been quietly and steadfastly working over the past few years. His technique has become rich and intimate and his ideas have synchronized themselves with his solitude. This synchronicity is not an easy feat; searching in solitude can often lead one astray; however, in Meghdad's case, this solitude has strengthened his brush strokes and poeticized his ideas to reflect fear and melancholy. An owl perched atop a grey forest is the artist who the viewer perceives has been sitting there for years but gone unnoticed by all. A sweet camouflage not of the kind feigned by animals in the jungle or soldiers at war, but one in which the soul succumbs to while waiting. Like when one falls silent and this silence is not a result of the unsaid but of the unimportance of the things, which are being said. Megdad is not interested in discourse maybe because he knows it is too late. Here, to stare is to compose silence and its state is pure. The owl has become one with the jungle and it not being seen is unimportant; the owl has become one with the jungle but it still stares at us; though it is not nighttime, it is still awake. That which is most interesting about Lorpour's work is that technique, idea and the loneliness of the artist all grow on the same level. Most of the creatures, which Meghdad has created, embody a glorious solitude along with an inevitable fear. A bear standing amid a field knows it is being watched; it is cautious and powerful. Even the hedgehog, which is running, is not doing so out of fear. It is frustrated and is escaping from its exhaustion – something which it has been doing for years, the traces of which still remain on the canvas. Lorpour's creatures either take refuge in solitude or are accustomed to it. Sometimes as a result of this solitude, they succumb to madness and transform into a sad and perhaps even an epic poem. His creatures are portrayed completely alone unless they are hunters attacking the precious solitude of other animals. As if Meghdad is depicting two situations: one of solitary animals and the other of camouflage or escape. Only in one work is there a sacred cow trapped while in flight; thus Meghdad explores all the possibilities for these creatures while embellishing their solitude. However, that which he prefers is a poetic escape to solitude, remaining there and gradually camouflaging, becoming one and powerful with and in it.

Vahid Sharifian

Meghdad Lorpour

مقداد لورپور

1983, Shirz – Iran

شیراز، ۱۳۶۲

B.A. in Painting From Shahed University – Tehran

فارغ التحصیل رشته نقاشی - دانشگاه شاهد - تهران

Solo Exhibitions

نمایشگاه‌های انفرادی:

2013 Mah Art Gallery-Tehran

۱۳۹۲ گالری ماه - تهران

2010 Mah Gallery - Tehran

۱۳۸۹ گالری ماه - تهران

2006 Iran Artist's forum – Tehran

۱۳۸۵ خانه هنرمندان - تهران

Group Exhibitions

نمایشگاه‌های گروهی:

2010 Self portraite II
Mohsen Gallery & Silk Road Gallery - Tehran

۱۳۸۹ گالری محسن و گالری راه ابریشم ،
خودنگاره ها (۲) - تهران

2010 Mah Gallery – Tehran

۱۳۸۹ گالری ماه - تهران

2009 Henna Gallery – Tehran

۱۳۸۸ گالری حنا - تهران

2008 Vesal Gallery – Shiraz

۱۳۸۸ گالری وصال - شیراز

2007 Homa Gallery

۱۳۸۶ گالری هما

The Selected New Generation Exhibition II – Tehran

نمایشگاه نسل نو (۲) - تهران

2007 Atbin Gallery - Tehran

۱۳۸۶ گالری آتبین - تهران

2006 Homa Gallery

۱۳۸۶ گالری هما

The Selected New Generation Exhibition I – Tehran

نمایشگاه نسل نو (۱) - تهران

2006 Youth Art Festival

۱۳۸۵ جشنواره هنر جوان

Tehran Museum of Contemporary Art

موزه ی هنر های معاصر تهران

2006 Visual Art Festival

۱۳۸۴ جشنواره هنرهای تجسمی

Niavaran Cultural Center – Tehran

فرهنگسرای نیاوران - تهران

2004 Realism & Hyper Realism

۱۳۸۳ رئالیسم و هایپر رئالیسم

Niavaran Cultural Center – Tehran

فرهنگسرای نیاوران - تهران

2001 Another Sky – Fotuhi Gallery – Shiraz

۱۳۸۰ آسمانی دیگر - گالری فتوحی - شیراز

1999 Piadehro Exhibition - Baran Gallery – Shiraz

۱۳۷۸ همراه با گروه پیاده رو - گالری باران - شیراز

Prize

جوایز:

2007 The Winner of The Selected
New Generation Exhibition II - Homa Gallery

۱۳۸۶ برگزیده منتخب نسل نو (۲)
گالری هما

2006 First Prize – Youth Art Festival
Tehran Museum of Contemporary Art

۱۳۸۵ مقام اول جشنواره ی هنر جوان
موزه هنرهای معاصر تهران

2006 Second Prize – Visual Art Festival
Niavaran Cultural Center

۱۳۸۵ مقام دوم جشنواره ی هنرهای تجسمی
فرهنگسرای نیاوران

2001 First Prize – Fars Visual Art Festival
Shiraz Art Garden

۱۳۸۰ مقام اول جشنواره ی هنرهای تجسمی استان فارس
باغ هنر شیراز



Untitled / Mixed Media on Canvas / 115 x 88 cm

بدون عنوان / ترکیب مواد روی بوم / ۱۱۵ × ۸۸ سانتی متر



Untitled / Mixed Media on Canvas / 195 x 143 cm

بدون عنوان / ترکیب، مواد روی بوم / ۱۹۵ × ۱۴۳ سانتی متر



Untitled / Mixed Media on Canvas / 85 x 117 cm

بدون عنوان / ترکیب مواد روی بوم / ۸۵ × ۱۱۷ سانتی متر



Untitled / Mixed Media on Canvas / 120 x 180 cm

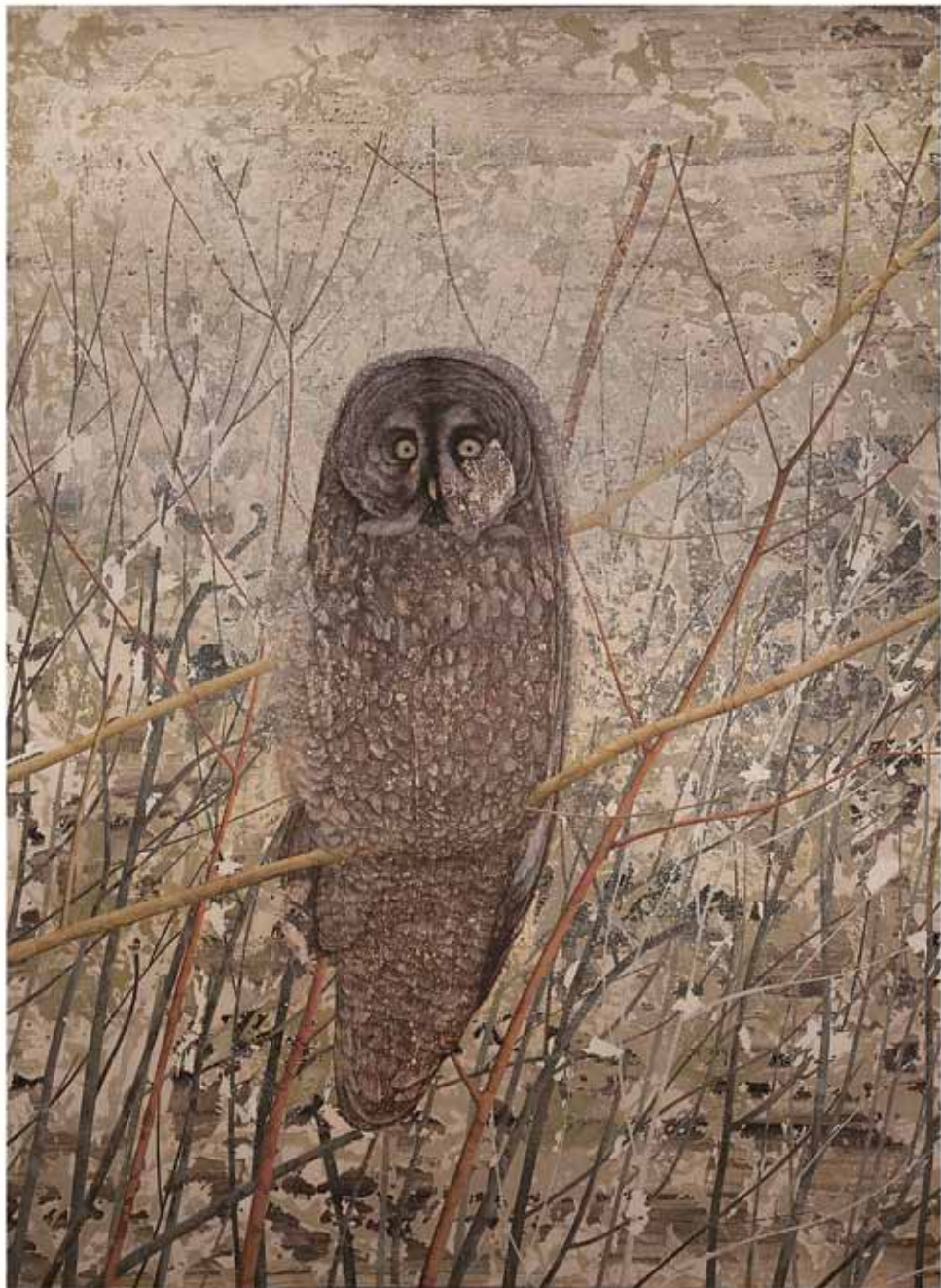
بدون عنوان / ترکیب مواد روی بوم / ۱۸۰ × ۱۲۰ سانتی متر



بدون عنوان / ترکیب مواد روی بوم / ۲۳۰۰ × ۱۸۰ سانتی متر



Untitled / Mixed Media on Canvas / 180 x 230 cm



Untitled / Mixed Media on Canvas / 169 x 140 cm

بدون عنوان / ترکیب مواد روی بوم / ۱۶۹ x ۱۴۰ سانتی متر



Untitled / Mixed Media on Canvas / 170 x 125 cm

بدون عنوان / ترکیب مواد روی بوم / ۱۲۵ x ۱۷۰ سانتی متر



بدون عنوان / ترکیب مواد روی بوم / ۲۰۰ × ۱۲۵ سانتی متر



Untitled / Mixed Media on Canvas / 125 x 200 cm



Untitled / Mixed Media on Canvas / 130 x 180 cm

بدون عنوان / ترکیب مواد روی بوم / ۱۸۰ × ۱۳۰ سانتی متر

کبره. کَبَرُ اِرَاکَ زَا اِرَاکَ (۱)

پوسته نازکی که روی زخم بندد. لخته خونی که روی زخم منعقد شود. پرده الیافی خون که پس از زخمهای سطحی بر روی پوست و مخاط پدید آید. (فرهنگ فارسی معین). || پوست کف دست یا جای دیگر که به سبب بسیاری کار و تماس با اشیاء کلفت شود. (از فرهنگ فارسی معین)

زمان همواره یگانه شاهد اوج و فرود بشری است. در بستر زمان با هر رویداد و واقعه ای گویی که زخمی نو بر پیکر تاریخ می نشیند. زخم از جنگ ها، فتوحات، خیانت ها، کشتار و از عشق که در جای جای زمان تا فرجام ماند. این زخم های تاریخی، بر پیکر هر جامعه نقش می بندند و هر روز کهنه و کهنه تر می شوند تا تبدیل به کبره های زمخت تاریخ شوند و خال خونمردگی شان در جای جای پیکر زمانه دیده شود. هر نسل به خواست یا ناخواست با کاویدن تاریخ رویدادی را به یاد می آورد. پس این زخم های کهنه دوباره زنده می شوند و حاصل خون تازه، رنج دوباره است. رنجی که همچون کبره ای قدیمی تاریخ یک ملت را پوشانده است. اساطیر دقیقاً جایی از دل یک ملت بلند می شوند که رنجی همگانی باشد. جایی که زخمی به ژرفای وقایع و رخدادهای زمان ملتی را می آزد. این کبره ها اوج و فرود زمانه اند. مدخل تاریخ و محل تولد اساطیر.

مقداد لورپور

Callus \ˈkɑ-lʌs\ noun

1: a thickening of or a hard thickened area on skin or bark 2: a mass of exudate and connective tissue that forms around a break in a bone and is converted into bone in healing 3: soft tissue that forms over a wounded or cut plant surface (Webster's dictionary)

Time is the sole ever-witness to mankind's rise and fall. As though in the course of time every incident inflicts a fresh wound upon the face of history; wounds of war, of conquest, of betrayal, of carnage, and of love, failed over and over in time.

These historic wounds are engraved on the mind of cultures and civilizations while in the course of time they grow more and more stale, and they thicken to form rough callus, bruising the face of time. Deliberate or not, each generation excavates the history to reminisce events of the past. Hence old wounds open up once again, bringing about new pain; a pain that covers up the history of a people like an old callus. Myths are born precisely when a people are in pain; where there exists a wound as profound as the events of history. Calluses are the rise and fall of epochs: they are the gateway to history and the birthplace of myth.

Meghdad Lorpour

گالری ماه / تهران، خیابان افریقا (جردن)، بلوار گلستان پلاک ۲۶

تلفکس: ۲۲۰۴۵۸۷۹، تلفن: ۲۲۰۲۶۰۳۷

No.26, Golestan Blvd., Africa Ave

Tehran-Iran / Tel/Fax: +98 (0) 21 22045879, Tel: 22026037
www.mahartgallery.com / info@mahartgallery.com

